



همه مسئول اند

محمد سعید احدیان

مشهد در آینده چه شکلی خواهد داشت؟ آیا شهری مذهبی خواهد بود باز اثرانی که فقط برای زیارت به مشهد می آیند و بهره معنوی بالاتری از سفر خود می برند یا شهری مذهبی که مسافران بیشتری به آن سفر می کنند اما از سفر به آن اهدافی چند منظوره و ترکیبی اعم از زیارت و تفریح و خرید و... خواهند داشت؟ شکل ظاهری و فضای کالبدی این شهر چگونه خواهد بود؟ آیا ما شاهد شهری از ساختمان هایی صرفاً با کاربری های اقامتی و تجاری یا معماری هایی متناسب با سلیقه های شخصی معماران خواهیم بود یا می توانیم شاهد شهری با طراحی یکپارچه حداقل برای بافت پیرامونی حرم مطهر باشیم که در آن همه نیازها از جمله ضرورت های فرهنگی نیز دیده شده است و به جای مجموعه ای از ساختمان های جدای از هم، در طرحی کلان برای همه فضاها تصمیم گیری شده است و هم از لحاظ کاربری و هم از لحاظ معماری به گونه ای برای این زمین چند هزار هکتاری که به تعبیر حضرت امام (ره) مرکز ایران محسوب می شود تصمیم گیری خواهد شد؟ تکلیف توس و کلات و طریقه و شاندیز... چیست؟ در توسعه آن ها باید چه رویکردی حاکم باشد؟

این ها و ده ها سوال دیگر محور هایی هستند که این روز ها ذهن بسیاری از کارشناسان و مدیران را به خود مشغول کرده است. این ویژه نامه تلاشی است برای ضرب دادن به این قبیل سوالات تا مسئولان مربوطه در تصمیمات خود توجه به آثار فرهنگی و اجتماعی را جدی تر بگیرند.

در این ویژه نامه ما به دنبال جمع بندی پاسخ هائیم (چون در بسیاری موارد هر کدام از طرف ها دلایل کارشناسی و قابل تأملی دارند) بلکه به دنبال طرح این سوالات و جدی گرفته شدن آنها هستیم. ما معتقدیم همه به اندازه مسئولیت قانونی و اجتماعی خود وظیفه دارند تلاش کنند تا هم سوالات اساسی دقیق و شفاف گردد و هم در یک فرآیند و روش منطقی پاسخ آن ها داده شود و طبیعی است که بعد از آن، همه وظیفه دارند لوازم پیاده سازی نتایج به دست آمده را مهیا کنند. به عنوان مثال اگر جمع بندی کارشناسی این گونه رقم خورد که باید بانگهای جامع به بافت پیرامونی اطراف حرم برای کاربری های متنوع و بر اساس معماری ایرانی اسلامی اقدام کرد، نمی توان بار آن را فقط بر دوش شهرداری انداخت، دولت باید در تصمیم خود مبنی بر ندادن بودجه و سیاست موسوم به تر از صفر به معنای تأمین مخارج طرح از محل خود طرح که به طور طبیعی تجاری سازی بی رویه را در این بافت دامن می زند تجدید نظر کند، نمایندگان مجلس باید پیگیری این مساله را در دستور کار اصلی خود قرار دهند، حوزه های علمیه نیاز های کالبدی را برای ترویج مبانی دینی تعیین کنند و دانشگاه ها و مراکز علمی ما باید سوالات مجریان را در باره شاخص ها و نحوه طراحی معماری ایرانی اسلامی پاسخ دهند و البته شهرداری و آستان قدس رضوی نیز هم در تصمیم سازی و هم در پیاده سازی این تصمیمات کلان با جدیت اقدام کنند.

مادر این ویژه نامه نه بدنبال انتقاد از شهرداری و نادیده گرفتن خدمات استثنایی آن در سال های اخیر هستیم و نه می توانیم نسبت به اتفاقی که در حال روی دادن است و در آن شهرداری و دیگر دستگاه ها و نهادها نقش در نغفلت تاریخی کنیم.

این ویژه نامه مطالبه ای است از شورای فرهنگ عمومی به عنوان متولی مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی، استانداری به عنوان نماینده عالی دولت که تصمیمات آن نقشی جدی در نتیجه ای که مشاهده می کنیم داشته است و خواهد داشت، شهرداری به عنوان مجری و دست اندر کار اصلی، آستان قدس رضوی به عنوان نهادی موثر در تصمیم گیری های کلان از جمله در شهرداری منطقه ثامن، مجمع نمایندگان استان به عنوان تاثیر گذاران در تصمیم گیری های کلان ملی، دانشگاه ها به عنوان متولیان تدوین مدل معماری ایرانی اسلامی، حوزه های علمیه به عنوان کارشناسان اصلی امور فرهنگی و دینی و خلاصه این ویژه نامه مطالبه ای است از تمام دستگاه ها، نهادها، مسئولین موثر شخصیت های ذی نفوذ و کارشناسان و دلسوزان انقلاب و دین و فرهنگ... به راستی پایتخت معنوی ایران در افق نه چندان دور چه سیمایی خواهد داشت آیا تبدیل به نمادی برای تمدن نوین اسلامی شده است یا...؟



تاکجا چنین شتابان؟!

امیر جلیلی نژاد

همه مسافران پس از پیاده شدن به آن مجتمع تفریحی وارد می شوند. این آگهی بازرگانی غلوآمیز که با اعتراضاتی روبه رو شد و گاهی از همان سوال را در ذهن متبادر می کند که هدف و مقصود اصلی از سفر به مشهد زیارت است یا هر آنچه که غیر از آن می تواند باشد؟ میزان و حدود و ثغور برنامه های جنبی برای زائر یا مجاور اعم از تفریحی و گردشگری تا کجاست؟ تاثیر این مجتمع ها و مراکز تفریحی برای هدایت فرهنگی و سبک زندگی جامعه تا چه میزان است؟ و آیا نباید برای آنها قبل از ساخت تاحین بهره داری برنامه ای برای برآورد و تنظیم اثرات فرهنگی و اجتماعی آن داشت؟ همین سوالات را برای برنامه های خرد و کلان غیر عمرانی و شهر سازی نیز می توان طرح کرد که آیا این طرح چه اقتصادی چه انتظامی یا حتی فرهنگی چه اثراتی بر فرهنگ و جامعه می گذارد و با توجه به آن بررسی ها آیا باید آن را به همان شکل اجرا کرد یا اگر نکرد یا با تغییراتی اثرات منفی آن را کم کرد؟ و بسیاری سوالات دیگر که در همین زمینه می توان بدان پرداخت.

پیوست فرهنگی که بومی شده و گسترش یافته مفهوم بررسی اثرات اجتماعی است سال ها در دنیا به آن توجه شده پاسخی در خور به این سوالات است. رهبر معظم انقلاب در دیدار خود با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی در سال ۸۶ با تذکر نسبت به نبود این بررسی ها شورا را موظف کردند تا آیین نامه پیوست فرهنگی برای طرح های بزرگ عمرانی و اقتصادی تدوین شود هر چند هنوز این آیین نامه قانونی به تصویب نهایه نرسیده و ابلاغ نشده است اما گام های نهایی برای آن در حال طی شدن است. البته بسیاری از مدیران دستگاه ها و وزارت خانه ها که این خلاء را در بدنه کاری خود لمس کرده اند به تهیه پیوست فرهنگی برای برخی طرح ها اقدام نموده اند از وزارت نفت گرفته تا وزارت نیرو و شهرداری تهران که امیدواری برای گسترش و استفاده از آن را در نهادها و ارگان ها و سازمان ها زیاده می کند، اما هنوز این مفهوم جایگاه خود را در بین بدنه نخبگان و کارشناسان در کشور و استان پیدا نکرده است و افراد مختلف تعاریف و تعابیر حداقلی تا حداکثری مختلفی از این مقوله دارند.

این ویژه نامه تلاشی است با این هدف که مبانی و تعریف صحیح پیوست فرهنگی و سابقه آن در دنیا و ایران ارائه شود و ضرورت و کارکرد صد چندان آن برای پایتخت معنوی ایران روشن گردد و خسارت های ناشی از نبود آن در شهری که به سرعت مسیر توسعه خود را می نوردد برای دلسوزان و مدیران ذی ربط آشکار گردد تا شاید حساسیت ها و دغدغه های دست اندر کاران برای برداشتن گام های نخست و زیربنایی برای اعتلای پایتخت معنوی ایران و ریل گذاری صحیح برای حرکت در مسیر احیای تمدن نوین اسلامی صورت پذیرد.

وقتی اپراتور سوم تلفن همراه یا همان رایتل با تبلیغات پر سر و صدا شروع به کار کرد، شاید برآوردی از مواجهه بزرگان دینی و فرهنگی کشور با یکی از امکانات جدید این نسل تلفن های همراه نداشت. دلیل این موضع گیری ها و اظهار نظر ها هم به تاثیرات فرهنگی و اجتماعی ارتباط تصویری بین مشترکان آن مربوط می شد. موضوعی که نه بر نامه ریزان وزارت ارتباطات به آن توجه کرده بودند و نه مدیران این اپراتور. تغییر یکباره آگهی تلویزیونی رایتل و استفاده از این امکان ارتباطی برای زیارت از راه دور حرم حضرت رضا (علیه السلام) هم نشان از موضع تدافعی آن بدون جواب به تاثیرات فرهنگی و اجتماعی این نسل جدید ارتباطی داشت.

متأسفانه در نظر نگرفتن اثرات یک پدیده یا تکنولوژی از سال های دور در برخی از بخش ها سبب بروز مشکلات مختلف فرهنگی و اجتماعی برای کشور شده است. می توان انبوه سازی شهر کی و ساخت شهر کهای خوابگاهی مسکن مهر گلپهر را تا تعطیلی اصناف در ساعت ۲۴ در مشهد و یا طرح ترافیکی زوج و فرد جدید در محدوده بزرگی از شهر را از مصادیق آزموده یا ناآزموده نبود بررسی اثرات فرهنگی و اجتماعی طرح ها و برنامه ها بر شمرد.

در مشهد به عنوان پایتخت معنوی ایران، رشد و توسعه کالبدی شهر در سال های اخیر سرعت پرشتابی پیدا کرده است، هر چند با توجه به جمعیت ساکن و هم چنین زائران روز افزون حرم رضوی بخش های زیادی از این رشد و توسعه خصوصاً در زیر ساخت ها جهت جوابگویی به نیاز هاست، اما سوالی که مطرح می شود این است که سمت و سوی مدل این توسعه کالبدی به کدام جهت است؟ آیا برای برنامه های کلان و بلند مدت شهری جایگاه واقعی پایتخت معنوی لحاظ شده است؟ آیا با توجه به طرح های جامع و تفصیلی موجود، در آینده می توان مشهد را در قامت یک شهر مذهبی با اصول و پایه های اخلاقی یک شهر دینی و صد البته اثر گذار در کشور دید. مجموعه پروژه های بزرگ تفریحی، تجاری، اقامتی و حتی مسکونی بی شماری که در جای جای شهر در حال اجراست چه تاثیری بر زندگی زائران و مجاوران خواهد گذاشت؟ رشد پر دامنه مراکز تفریحی و تجاری تا چه حد بر کارکرد منحصر به فرد مشهد یعنی زیارت مضجع شریف امام علی (ابن موسی الرضا) تاثیر خواهد داشت؟ آیا ممکن است دامنه این تاثیرات تا آنجا پیش رود که در بلند مدت شاهد جابه جایی اهداف سفر به مشهد باشیم؟ برای ملموس شدن این پرسش آخر تاملی در یک آگهی تلویزیونی خالی از لطف نخواهد بود.

قطار در ۵ کیلومتری مشهد با هماهنگی رئیس قطار و اعلام آمادگی ماموران از راه اصلی خارج و با تغییر مسیر و ورود به اتوبان های شهر در جلوی یک مجموعه آبی متوقف می شود و